

تحقق جنگ نرم نتیجه ی اشتغال زنان

ماهان عطشان^۱، علی پیریایی^۲، حسین سیاوشی^۳، غلامرضا شاکری^۴

^۱ دانشجوی کارشناسی علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان همدان

^۲ دانشجوی کارشناسی علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان همدان

^۳ دانشجوی کارشناسی علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان همدان

^۴ دانشجوی کارشناسی علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان همدان

نام و نشانی ایمیل نویسنده مسئول:

ماهان عطشان

mahanatshan@gmail.com

چکیده

نگاه نظام سرمایه داری به خانواده نیز یک نگاه اقتصادی است. آنجایی که ساختار خانواده مانع از توسعه سرمایه داری شود، کیفیت آن را به گونه‌ای تعریف می‌کنند که در خدمت توسعه قرار گیرد. در همین راستا مفهوم خانواده و اعضاء آن تغییر یافته تا جایی که امروزه دو هم جنس و یا یک انسان و یک حیوان را نیز به عنوان خانواده به حساب می‌آورند. برای غرب هیچ یک از ارزش‌ها و ساختارهای اجتماعی موضوعیت ندارند، آن چه که مهم است و بنیان و هدف برنامه ریزی است، دستیابی به توسعه پایدار است و توسعه به عنوان ارزش اصلی تلقی می‌شود و همه ساختارها در توسعه منحل می‌گردد. بنابر این اگر در نتیجه توسعه، خانواده حذف شود، نباید از آن به عنوان بحران یاد کرد، بلکه این از الزامات توسعه سرمایه داری است که در فرآیند آن خانواده عشیره‌ای به سلولی تبدیل می‌شود و ممکن است از سلولی نیز به اشکال دیگر تغییر یابد. در این راستا مشاهده می‌شود که مسئله تحصیل، اشتغال، نوع پوشش، سن ازدواج و نوع مشارکت بانوان در خانه و جامعه و از همه مهم تر نقش و جایگاه تربیت فرزند و مادری و حتی تعریف از سعادت و یا هدف زندگی تغییر یافته و به شدت تحت تأثیر الگوهای مدرن قرار گرفته است. به عنوان مثال وقتی که مسئله اشتغال به تحصیل و اشتغال به کار بانوان به شکل غیر قاعده مند در دستور کار قرار می‌گیرد و الگوی زندگی متناسب با الگوی سرمایه داری تنظیم می‌شود، دوره تحصیل تا ۲۵ سالگی طول می‌کشد و سپس مسئله اشتغال پیش می‌آید و از آنجا که روابط خویشاوندی و عشیره‌ای و خدمت رسانی به یکدیگر کاهش یافته است و جوانان به تنهایی عهده دار تأمین زندگی خود می‌شوند، به طور طبیعی سن ازدواج افزایش می‌یابد و بنیان خانواده متزلزل می‌شود. یکی دیگر از کارویژه‌های تمدن غرب و از مهم ترین محورهای طرح خاورمیانه‌ای غرب در مورد زنان، شعار اشتغال به تحصیل و با سواد شدن زنان است. (متن طرح خاورمیانه بزرگ آمریکا، منتشر شده توسط نشریه الحیات) در این راستا محور اصلی در تغییر جایگاه زنان، با سواد شدن آنها و تعلیم و تربیت آنان به مفهوم غربی است. این با سوادسازی قطعه‌ای از پازل دستگاه غرب و هماهنگ با دیگر مهره‌های آن است؛ یعنی با سواد شدن به دانشگاهی شدن و دانشگاهی شدن به فراگیری فرمول‌ها و ارزش‌های خاص تعریف شده است و بلافاصله توقع اشتغال را ایجاد می‌کند که این توقع، روابط و نقش‌های زن و مرد را در خانواده تغییر می‌دهد و نیز مفهوم مشارکت اجتماعی دگرگون خواهد شد.

روش پژوهش: در این مقاله از روش فرا تحلیلی برای بیان ضرورت نقش اشتغال زنان در تحقق جنگ نرم استفاده شده است. واز منابع مرتبط آن و در جهت راهکارهای تقویت مثبت زندگی و خانواده اسلامی بهره گرفته شده است. در ابتدا به بررسی اشتغال زنان، ماهیت آن و تاثیرات آن پرداخته ایم و راهکارهای تقویت و محرومیت از آنرا بیان کرده ایم.

واژگان کلیدی: اشتغال زنان، جنگ نرم، خانواده، عدالت، جنسیت.

مقدمه

در این راستا محور اصلی در تغییر جایگاه زنان، با سواد شدن آنها و تعلیم و تربیت آنان به مفهوم غربی است. این با سوادسازی قطعه‌ای از پازل دستگاه غرب و هماهنگ با دیگر مهره‌های آن است؛ یعنی با سواد شدن به دانشگاهی شدن و دانشگاهی شدن به فراگیری فرمول‌ها و ارزش‌های خاص تعریف شده است و بلافاصله توقع اشتغال را ایجاد می‌کند که این توقع، روابط و نقش‌های زن و مرد را در خانواده تغییر می‌دهد و نیز مفهوم مشارکت اجتماعی دگرگون خواهد شد.

در واقع وقتی که زن مهارت‌های خاص می‌یابد، متناسب با آن اشتغال اجتماعی ایجاد می‌شود و مفهوم مشارکت اجتماعی متناسب با نگاه غربی شکل می‌گیرد و روابط سابق عوض می‌شود. در این میان آرام آرام از جاذبه‌های زنانه در محیط کار و اجتماع استفاده می‌شود و این نمایش جذابیت، ارزشمند تلقی می‌شود و در این میان نظام سرمایه داری، شهوات را به نفع خود ساماندهی می‌کند و مفهوم خانواده در این فرآیند تبدیل و تغییر می‌یابد. بدیهی است که اسلام با کسب سواد و عالم شدن زنان مخالفتی ندارد بلکه مشوق آن است، آنچه که محل دقت است تعریف خاص از با سواد شدن و مواد و محتوای درسی و پرورش هم بافت و التزامات این آموزش غربی است به تعبیر رهبر فرزانه انقلاب «زن در محیط اسلامی رشد علمی میکند، رشد شخصیتی میکند، رشد اخلاقی میکند، رشد سیاسی میکند، در اساسی‌ترین مسائل اجتماعی در صفوف مقدم قرار می‌گیرد، در عین حال زن باقی می‌ماند. زن بودن، برای زن یک نقطه‌ای امتیاز است، یک نقطه‌ای افتخار است. این افتخاری نیست برای زن که او را از محیط زنانه، از خصوصیات زنانه، از اخلاق زنانه دور کنیم. خانه‌داری را، فرزندی را، شوهرداری را ننگ او به حساب بیاوریم. فرهنگ غربی خانواده را متلاشی کرد. امروز یکی از مشکلات بزرگ دنیای غرب، متلاشی شدن خانواده‌هاست، افزایش فرزندان بی هویت است. اینها گریبان غرب را خواهد گرفت.

شاید در نخستین گام برای بررسی آثار و پیامدهای اشتغال زنان بر خانواده و جامعه باید مفهوم اشتغال را مورد بازبینی قرار داد. اشتغال از جمله مفاهیم بنیادین و کلیدی است که در هر فرهنگی معنایی متفاوت پیدا می‌کند. امروز در جامعه‌ی ما نیز اشتغال اغلب به همان معنایی رایج در غرب به کار می‌رود؛ یعنی کار درآمدزا. در این فرهنگ، شاغل به کسی می‌گویند که در ازای کار، دستمزدی دریافت کند. اما شغل در فرهنگ اسلامی بر مفهوم «کار» تأکید دارد.

کار به معنای عام هر چیزی است که برایش انرژی صرف می‌شود؛ چه رسمی باشد چه غیررسمی، مزدگیر باشد یا فی سبیل‌الله. بنابراین تعبیر کار خانگی، خانه‌داری، پرورش فرزند، فعالیت زنان روستایی در بخش کشاورزی و مواردی نظیر آن نیز به مفهوم کار است. در متون دینی نیز بر این معنا از کار تأکید شده است و همه مکلف به آن هستند.

از سوی دیگر، خانه‌داری حتی ارزش افزوده هم دارد. برای نمونه، اگر یک ماه هزینه‌ی کارهایی را که خانم در خانه انجام می‌دهد را محاسبه کنید، ارزش کار آن‌ها مشخص خواهد شد و مشاهده خواهید کرد که خانه‌داری زن علاوه بر سایر محسناتی که دارد از لحاظ اقتصاد فردی نیز مقرون به صرفه است و تأثیر زیادی بر اقتصاد جامعه دارد. برآورد شده است که کار منازل بین ۲۵ تا ۴۰ درصد ثروت ایجادشده در کشورهای صنعتی را در بر می‌گیرد.

از هم پاشیدن ساختار خانواده، سپرده شدن کودکان به مهدهای کودک با تمام آسیب‌هایی که روان‌شناسان و جامعه‌شناسان برای آن برمی‌شمرند، آسیب‌های روحی و جسمی و حتی تجرد قطعی و منفی شدن رشد جمعیت، دستاوردهای اشتغال زنان در غرب است و این موضوع اندیشمندان غربی را به کندوکاو و چاره‌جویی واداشته است.

علاوه بر این فرآیند مهم تربیتی، عاطفی، اخلاقی و... نیز بر حضور مؤثر زن در خانه مترتب است. پس می‌بینیم که خانه‌داری نه فقط شغل محسوب می‌شود، که در حلقه‌های اقتصادی جایگاه مهمی را هم به خود اختصاص می‌دهد.

اهداف اشتغال زنان از سوی کارفرمایان دولتی

استخدام زنان و بانوان در مشاغل دولتی عمدتاً به دو دلیل صورت می‌پذیرد. یکی رویکرد های تقاطعی به زن و دیگری رابطه بازی.

بعضی از مسئولین به زنان با دیدی نیروی کار ارزان قیمت و نیز دارای جذابیت های جسمی و جنسی نگاه می کنند و از این منظر استخدام زنان را در الویت کاری خود قرار می دهند. آنها مدعی هستند که زنان کمتر از مردان روحیه اعتراض و واکنش نسبت به تصمیمات و اقدامات مدیران را دارند و از این لحاظ می شود به آنها به عنوان نیروهای کار ارزان قیمت - هم از لحاظ هزینه دستمزد و هم از لحاظ هزینه های مدیریتی - بهره گرفت. عده ای از مسئولین علاوه بر دلیل مذکور در بکارگیری و استخدام زنان، انگیزه های سواستفاده از جنسیت آنها را نیز، در فرآیند امورات اداری و کاری مدنظر دارند.

یکی دیگر از دلایل عمده استخدام زنان در مشاغل دولتی، رابطه بازی است. افراد زی نفوذ با استفاده از رابطه دختران و زنان خود را در ادارات و نهادهای دولتی استخدام می کنند. این کار زمینه باج خواهی مسئول مربوطه را فراهم می کند. در این روابط و رابطه بازی ها آنچه نادیده گرفته می شود، منافع و مصلحت مردم و بیت المال است.

اهداف اشتغال زنان از سوی کارفرمایان غیردولتی

با توجه به حجم بالای تقاضای اشتغال زنان در جامعه، بسیاری از زنان و دختران که توان استخدام مشاغل دولتی را ندارند، در شرکت ها و موسسات غیردولتی مشغول به کار می شوند. مهمترین علت های اشتغال زنان و دختران در این قبیل مشاغل استفاده از نیروی کار ارزان، ظاهر سازی، کلاهبرداری و سواستفاده جنسی است.

در شرکت ها و موسسات غیردولتی، به دلیل نبود ضوابط و قوانین لازم برای استخدام و بکارگیری نیرو، عده ای از اقوام و آشنایان نزدیک خود استفاده می کنند. نه ندرت می توان مالکان شرکت یا موسسه ای را یافت که متقاضی اشتغال در بین نزدیکان خود نیابد. با این وجود دلیل استخدام های افراد دیگر در این مشاغل چیست؟!

با توجه به آنکه درصد بسیار اندکی از مشاغل در شرکت ها و موسسات غیردولتی کار تخصصی دارند که نیازمند تخصص ویژه ای باشد؛ دلیل عمده استخدام زنان در مشاغل عمومی عمدتاً استفاده از نیروی کار ارزان قیمت است. معمولاً این اشتغال ها با حداقل دستمزد ممکن و بدون مزایا و امنیت شغلی است.

عده دیگری از این شرکت ها و موسسات نیز برای ظاهر سازی و کلاهبرداری از مشتریان خود، اقدام به استخدام عده ای از زنان و دختران می کنند تا ضمن بهره گیری از ظاهر و جذابیت های آنها، نقاط ضعف و مشکلات شرکت یا موسسه را از این طریق پنهان کنند. نمونه های بسیاری از این قبیل کلاهبرداری ها و سواستفاده ها اتفاق افتاده است. نگاهی گذرا به اخبار حوادث موید این مطلب است.

بعضی شرکت ها نیز با پوشش شرکت تجاری یا خیریه و یا... با استخدام زنان و دختران، به دنبال سواستفاده جنسی از آنها هستند. هشدارها فراوان مقالات امنیتی و قضایی در این خصوص مکرر مطرح شده است ولی متأسفانه هنوز عده ای از افراد توجهی نسبت به سلامت و امنیت خود ندارند و در دام این افراد جانی گرفتار می شوند. بعضی از موسسات به ظاهر هنری در قالب تست های بازیگری و نمایش اقدام به تهیه فیلم و عکس از افراد مختلف می کنند و پس از آن به دنبال اخاذی از آن افراد از آنها سواستفاده می کنند.

علت های تقاضای زنان و دختران برای اشتغال

با این همه اوصاف و شرایط نابسامان اشتغال زنان در مشاغل دولتی و غیردولتی باز هم شاهد آن هستیم که بسیاری از زنان و دختران به هر قیمتی خواستار اشتغال در بیرون از منزل هستند. علت های عمده این امر را می توان در چند علت خلاصه نمود. قابل ذکر است که ممکن است علت تقاضای هر فردی یکی از علت ها و یا ترکیبی از علل و عوامل ذیل با نسبت و الویت های خاص باشد.

نامساعد بودن محیط خانه و خانواده

یکی از دلایل عمده اشتغال زنان و دختران آن است که آن افراد در خانه احساس خوبی ندارند. تامین نشدن نیازهای عاطفی در محیط خانواده. عده ای در خانواده تحقیر می شوند. عده ای خود را سربار خانواده تلقی می کنند. عده ای ماندن در منزل را مصرفی بودن فرد تلقی می کنند. بدرفتاری خانواده با دختران انگیزه گذران اوقات در بیرون منزل را تقویت می کند.

نیاز های کاذب شخصیتی

یکی از دلایل دیگر برای تقاضای اشتغال در بیرون از خانه، نیازهای شخصیتی فرد است. عده ای از زنان و دختران، با الگو برداری نامناسب از شخصیت های مختلف ایرانی و غیرایرانی و عمدتاً برگرفته از فیلم های سینمایی، سریال ها و... شخصیتی کاذب و غیرواقعی برای خود مفروض می کنند و به دنبال تحقق آن بر می آیند. آنها بدون توجه به حقایق وجودی خود و جامعه به دنبال آن هستند که شخصیتی مورد توجه در جامعه باشند. لذا به دنبال آن شاخص ها حرکت کرده و امید دارند تا آن را محقق کنند.

بیشتر افراد تحصیل کرده دانشگاهی، پس از تحصیل و فراغت از تحصیل در دانشگاه نیاز بسیاری به اشتغال در بیرون منزل و در فضای تخصصی متناسب با دغدغه ها و تخصص خود دارند. اما به دلیل عدم وجود سیاستگذاری منطقی و صحیح علمی در نظام آموزش عالی و همچنین تفاوت بسیار نظام کارشناسی دستگاه های اجرایی با محتوای آموزشی، این دغدغه عملاً احساس کاذبی است که اگر فرد در موقعیت اشتغال قرار بگیرد، دچار تعارضات بسیار می شود و در صورت عدم موفقیت احساس سرخوردگی می کند.

نیازهای مالی

درصد اندکی از زنان و دختران به نسبت جمعیت متقاضی اشتغال، برای کسب درآمدهای مالی ضروری زندگی خود به دنبال اشتغال هستند. این افراد یکی از اقشار بسیار آسیب پذیر در بین افراد جویای کار هستند. هر چند که استقلال مالی همیشه یکی از انگیزه های اشتغال زنان و دختران از اشتغال بوده و هست، اما شاید الویت این مؤلفه در رده های بعدی نسبت به سایر مؤلفه های است. البته استقلال مالی و نیز انگیزه های استقلال مالی زنان و دختران و آثار آن بر جامعه نیز مساله مهمی است که می بایست در جای خود مورد بررسی و دقت نظر قرار بگیرد.

نیاز به شخصی و عاطفی و اجتماعی

یکی از علت های دیگر برای اشتغال زنان و دختران در مشاغل خارج از منزل، پاسخ دادن به نیازهای عاطفی و شخصی خود در جامعه است. زنان و دختران عمدتاً در محیط خانه و خانواده نیازهایی دارند که پاسخ آن را در بیرون خانواده جستجو می کنند. لذا به اشتغال در بیرون از منزل روی آورده و قصد تامین خواسته ها و نیازهای خود در محیط کار هستند. برداشت نادرست آنها از محیط کار، روابط اداری و نیز نوع ارتباط با همکاران اگر مشکلات ارتباطی و عاطفی جدیدی برای آنها در پی نداشته باشد، عملاً نمی تواند از نیازهای عاطفی، توقعات شخصی آنها از اطرافیان و همچنین انتظار آنها از اجتماع را جوابگو باشد.

احساس تکلیف اجتماعی

یکی از علت های تقاضای اشتغال زنان و بانوان، احساس تکلیف برای ایفای نقش اجتماعی در جامعه است. عده ای از زنان و دختران به دنبال انجام وظیفه در جامعه، به دنبال اشتغال در مشاغل خارج از منزل می روند. این افراد عمدتاً به دنبال مشاغل خاصی در حوزه زنان و خانواده می روند که توفیق آنها برای اشتغال در این مشاغل به دلیل محدودیت آنها، بسیار اندک است. اما ممکن است پس از مدتی در مشاغل غیر آن نیز مشغول به کار شوند.

اما نکته مهم در باب این احساس مسئولیت بانوان آن است که آیا تشخیص نیاز جامعه به حضور آنها در مشاغل مورد نظر، تا چه میزان درست و بجاست؟! و آیا فعالیت آنها در صورت تحقق آیا می تواند در جامعه مفید و مثمر ثمر باشد یا خیر؟! و یا اینکه آیا اشتغال آنها در سمت های مدنظر خود، آیا اولویت دارد یا خیر؟! سوالات مهمی است که می بایست مورد دقت نظر این افراد قرار بگیرد.

بایدها و نبایدهای اشتغال زنان از نگاه رهبری

از نگاه رهبر معظم انقلاب نیز اشتغال بانوان بایدها و نبایدهایی دارد. آسیب نرسیدن به نقش های اصیل زن، یعنی مادری و همسری، و بحث رعایت حریم محرم و نامحرم و پرهیز از اختلاط، شروط اساسی است که رهبر معظم انقلاب برای اشتغال بانوان جامعه برمی شمرد.

بنا بر تأکید ایشان، نقش های همسری و مادری، بر خلاف دیگر نقش های تعریف شده در جامعه، بی بدیل اند و فقط زن می تواند از پس آن برآید. به تعبیر رهبر فرزانه انقلاب، فرزندآوری و تربیت فرزند و باز کردن گره از تارهای فوق العاده ظریف عواطف کودک، تنها با سرانگشتان مادر امکان پذیر است تا کودک دچار عقده های عاطفی نشود.

از سوی دیگر، عدم رعایت حریم ها می تواند نظام ارزشی و اخلاقی جامعه را به ورطه ی نابودی بکشد. این اتفاق با سستی پایه های خانواده و بی اعتمادی شوهر آغاز می شود و با پوک کردن پایه های سلامت اخلاقی خانواده به جامعه نیز کشیده می شود. بر همین اساس، می توان اثرگذاری اشتغال بانوان بر نقش های مادری و همسری را مورد ارزیابی قرار داد.

بایدها و نبایدهای اشتغال بانوان

اشتغال زنان مانند هر پدیده ی دیگری دارای وجوه مثبت و منفی است. در اینجا نیز باید اهمیت و تأثیرگذاری این محاسن و معایب را بر فرد، خانواده و جامعه در نظر گرفت تا بتوان به یک قضاوت کلی از ترسیم جایگاه زن در مشارکت های اجتماعی دست یافت. افزایش اعتماد به نفس، احساس استقلال، خودباوری و کمک به اقتصاد خانواده از محاسنی است که برای اشتغال زنان برشمرده می شود، اما چالش های بسیاری نیز در این مسیر وجود دارد؛ چالش هایی برای خود بانوان، فرزندان، خانواده و در نهایت جامعه.

پیامدهای فردی اشتغال زنان

تحلیل فشارهای روحی و جسمی ناشی از تعدد نقش‌ها:

اشتغال نقش‌هایی غیر از نقش اصلی مادری و همسری به بانوان تحمیل می‌کند. این تنش‌ها گاهی سبب تغییرات کلی در خلق و خوی زنان می‌شود؛ به گونه‌ای که روحیه‌ی لطیف و ظرافت‌های زنانه گاهی به طور کلی تحت تأثیر قرار می‌گیرد و این مهم، هم بر رشد و تعالی فردی زن اثرگذار است و هم بر روابط خانوادگی وی.

تأخیر در ازدواج:

تجرد قطعی یا مجرد تا سنین بالا امری است که در میان زنان شاغل بیشتر به چشم می‌خورد و استقلال مالی یکی از دلایل این پدیده است. این موضوع صرف‌نظر از تبعات فردی، منجر به کاهش نرخ رشد جمعیت در جامعه نیز می‌شود.

جابه‌جایی نقش‌ها و اولویت‌ها:

زنان شاغل گاهی آن‌چنان در کار خود غرق می‌شوند که نقش‌ها و اولویت‌هایشان تغییر می‌کند و این تغییرات بر ارزش‌ها و انتظارات فرد، تفکر و تصمیم‌گیری‌های وی تأثیر می‌گذارد و به مرور زمان، مسائل کاری بر مسائل خانوادگی، همسر و فرزندان اولویت می‌یابد.

احساس گناه در مادران شاغل:

مادران شاغل گاهی به علت نگرانی از عدم حضور در کنار فرزندشان احساس گناه می‌کنند که این احساس منجر به اضطراب و در نهایت، لطمه به کار و رابطه‌ی مادر و کودک می‌شود و به صورت پرخاشگری، توجه بیش از اندازه به کودک و... بروز می‌کند.

افزایش اعتماد به نفس، احساس استقلال، خودباوری و کمک به اقتصاد خانواده از محاسنی است که برای اشتغال زنان برشمرده می‌شود، اما چالش‌های بسیاری نیز در این مسیر وجود دارد؛ چالش‌هایی برای خود بانوان، فرزندان، خانواده و در نهایت جامعه.

پیامدهای خانوادگی اشتغال زنان

سستی کانون خانواده:

از نظر «آنتونی پارسونز» پایگاه اجتماعی خانواده و حفظ امنیت و آسایش خانواده از طریق درآمد شغلی مرد است و نقش زن ایجاد و حفظ روابط عاطفی درون خانواده است. پارسونز این تقسیم را بهترین شکل برای حفظ وحدت خانوادگی می‌داند و تداخل هر نقش دیگری را سبب برهم خوردن تعادل زندگی به حساب می‌آورد، زیرا به خصوص در حالت اشتغال زن، او تبدیل به رقیب شغلی شوهر خود می‌گردد و این رقابت زن و شوهر با یکدیگر سبب ناهماهنگی و نابسامانی خانواده می‌شود. به باور وی، نقش‌های متعارف زن و مرد معادل و مکمل یکدیگر است.

سردی روابط با همسر:

زن ویژگی‌های روحی متفاوتی از مرد دارد. از همین رو، چالش‌هایی که در محیط کار به وجود می‌آید می‌تواند خستگی‌های روحی و جسمی را برای وی به وجود آورد و این خستگی‌ها بر روابط زناشویی و حتی کلامی زن تأثیر می‌گذارد و می‌تواند منجر به سردی ارتباط او با همسرش شود. در نتیجه، تفاهم زن و مرد به تخاصم مبدل می‌گردد و حتی می‌تواند منجر به جدایی شود.

بروز روحیه‌ی مدیریت در برخورد با همسر:

گاهی زنان شاغل، روحیه‌ی منعطف و مهربان خود را از دست می‌دهند و روحیه‌ی مدیریتی پیدا می‌کنند که این مسئله نیز بر روابط آن‌ها با همسر تأثیرگذار است.

استقلال مالی و احساس عدم وابستگی:

گاهی استقلال مالی و عدم وابستگی اقتصادی زن سبب تغییر روابطش با مرد می‌شود. به بیان دیگر، رفتار استقلال‌طلبانه‌ی زن، اقتدار و مدیریت مرد را خدشه‌دار می‌کند و این مسئله موجب بروز اختلاف در خانواده می‌شود.

کم‌رنگ شدن حضور زن در خانه:

اشتغال زن سبب می‌شود تا زمان حضورش در کانون خانواده کاهش یابد و این مهم، علاوه بر تأثیر بر روابط او با همسر، فرزندان را نیز متأثر می‌سازد. انتقال خستگی ناشی از کار به خانه و عدم آمادگی جسمانی و روانی برای برآوردن نیازهای روانی و عاطفی اعضای خانواده یکی دیگر از عوارض این حضور کم‌رنگ است.

ارضای نیازهای کلامی و عاطفی زن در محیط کار:

برخی از بانوان شاغل در محیط کار آن قدر با همکاران و مراجعان ارتباط کلامی دارند که ممکن است در منزل نیاز و انگیزه‌ای برای برقراری رابطه‌ی کلامی با اعضای خانواده نداشته باشند. این مسئله می‌تواند به شکل مشکلات عاطفی و رفتاری و دوستی‌های افراطی و ناسالم در فرزندان بروز کند. در مورد همسر نیز ممکن است این موضوع موجب بدخلقی و برقراری روابط عاطفی و کلامی ناسالم با زنان دیگر شود.

گاهی استقلال مالی و عدم وابستگی اقتصادی زن سبب تغییر روابطش با مرد می‌شود. به بیان دیگر، رفتار استقلال‌طلبانه‌ی زن، اقتدار و مدیریت مرد را خدشه‌دار می‌کند و این مسئله موجب بروز اختلاف در خانواده می‌شود.

کاهش ارتباط با بستگان و دوستان:

خانواده‌های شاغل، در مقایسه با خانواده‌های سنتی، وقت کمتری برای حضور در خانواده و اقوام دارند. از این رو، به نوعی منزوی می‌شوند و حمایت عاطفی و روانی و حتی مالی اطرافیان را از دست می‌دهند.

غلبه‌ی ارتباطات کاری بر ارتباطات خانوادگی:

گاهی ارتباطات دوستانه و روابط عاطفی در محیط کار و میان همکاران از روابط و تعاملات خانوادگی پیشی می‌گیرد؛ به گونه‌ای که همان مدت زمان کوتاه حضور در خانواده نیز حضوری سرد است و این به روابط خانوادگی بیش از پیش آسیب می‌زند.

تأثیر اشتغال مادر بر فرزندان

ارتباط فرزندان با مادر نه فقط در رفع نیازهای کودک مؤثر است، بلکه بر حالات روانی و عاطفی وی نیز تأثیر می‌گذارد. مادران شاغل اغلب به دلیل آنکه بخش مهمی از ساعات مفیدشان را در طول روز از فرزند جدا هستند، نمی‌توانند همانند مادران خانه‌دار به کودکان خود رسیدگی کنند. علاوه بر این، آن‌ها در کنار خستگی جسمی و ذهنی ناشی از کار، مسئولیت خانه و خانه‌داری را هم به دوش می‌کشند. از سوی دیگر، سپردن کودکان به مهد کودک هم چندان مورد تأیید کارشناسان نیست، چرا که به باور آن‌ها این کار ممکن است موجب بروز نابسامانی‌های روانی خاصی در بزرگسالی شود.

فاصله‌ی عاطفی از فرزند:

روان‌شناسان معتقدند کودکان در سال‌های نخستین زندگی، نیاز شدید عاطفی دارند و این نیاز تنها از سوی مادر تأمین می‌شود و با هیچ نهاد جایگزین دیگری تأمین نمی‌شود. با شاغل شدن زن، که مهم‌ترین نقش را در ایجاد تعادل عاطفی و روانی و ایجاد فضایل دارد، لطمه‌ی شدید روحی به فرزندش وارد می‌شود.

کاهش نفوذ مادر در تابعیت‌پذیری فرزند:

هر مسئله‌ای که سبب دوری والدین از فرزندان شود از میزان نفوذشان در آن‌ها کم می‌کند. اشتغال مادر نیز این دوری را پدید می‌آورد و به این صورت، بر تربیت صحیح فرزندان تأثیر می‌گذارد، زیرا فرزند دیگر حرف‌شنوی لازم را ندارد.

رفتارهای تربیتی خارج از خط تعادل:

خستگی‌های روحی ناشی از اشتغال در خارج از منزل گاهی سبب رفتار غیردوستانه و سخت‌گیری افراطی مادر می‌شود و گاهی هم مادر می‌کوشد تا ساعات نبودن خود را با هدیه یا نوعی باج دادن به فرزند جبران کند و این روند افراطی و تفریطی رفتار با فرزندان کلیت تربیت او را دچار خدشه می‌نماید.

عدم نظارت مستقیم بر فرزندان و غفلت از نیازهای آنها:

پرخاشگری و عدم تمرکز، افت تحصیلی و بحران‌های عاطفی در نوجوانی حکایت از عدم نظارت مستقیم والدین و به خصوص مادر بر آنها دارد و این مسئله نیاز به حضور و واکنش به موقع مادر در برابر رفتارهای فرزندان را بیشتر به رخ می‌کشد.

تضعیف جایگاه پدر:

اشتغال مادر ممکن است نقش و جایگاه پدر را در بین فرزندان پسر مخدوش کند. فرزندان چون می‌توانند بخشی از نیازهای مالی خود را از طریق مادر برطرف نمایند، ممکن است نقش پدر را در منزل نادیده بگیرند و از کمک‌ها و راهنمایی‌های وی خود را بی‌نیاز بدانند و به مرور زمان، پدر در انزوا قرار گیرد.

کم‌رنگ شدن نقش مادر به عنوان الگوی جنسیتی برای دختران:

بی‌تردید نخستین الگوی دختر، مادر است. دختر در تعامل با مادر، خانه‌داری، کدبانویی، شوهرداری، بچه‌داری و امثال آن را یاد می‌گیرد و به تدریج، بخشی از مسئولیت زندگی را در خانواده بر عهده می‌گیرد و خود را برای زندگی آینده آماده می‌کند؛ اما حضور کم مادر در خانه و کانون خانواده این الگو را بی‌رسم می‌سازد.

دوگانگی در تربیت فرزندان:

در طول زمان حضور در محل کار، مادر مجبور است فرزند یا فرزندان خود را به مهد کودک یا به افراد دیگری از فامیل مثل خواهر یا مادر بزرگ بسپارد. این در حالی است که الگوهای تربیتی مادر با ایده‌ها و روش‌های تربیتی مربیان مهدها و دیگران متفاوت خواهد بود و فرزندان با حالتی دوگانه در رفتار و افکار و ارزش‌ها رشد خواهند نمود. روان‌شناسان معتقدند کودکان در سال‌های نخستین زندگی، نیاز شدید عاطفی دارند و این نیاز تنها از سوی مادر تأمین می‌شود و با هیچ نهاد جایگزین دیگری تأمین نمی‌شود. با شاغل شدن زن، که مهم‌ترین نقش را در ایجاد تعادل عاطفی و روانی و ایجاد فضایل دارد، لطمه‌ی شدید روحی به فرزندش وارد می‌شود.

آثار اجتماعی اشتغال بانوان

اگرچه پیامدهای فردی، خانوادگی و آثار اشتغال مادر بر فرزندان همگی می‌توانند به طور غیرمستقیم جامعه را متأثر سازند، اما اشتغال زنان به طور مستقیم نیز تبعاتی برای جامعه دارد. از جمله تبعات این امر می‌توان به کاهش رشد جمعیت و بیکاری مردان اشاره کرد.

۱. اثر اشتغال بانوان با نرخ رشد جمعیت در کشور

۲. نرخ رشد جمعیت در کشور ما نیز با کاهش چشمگیری مواجه شده است؛ کاهشی که به باور بسیاری از صاحب‌نظران ارتباط معناداری با افزایش اشتغال بانوان در دهه‌های اخیر دارد.

کم شدن میل به فرزندآوری:

زنان شاغل به سبب تعدد وظایف ترجیح می‌دهند فرزندان کمتری داشته باشند تا بتوانند از پس ایفای نقش مادری برآیند. در نتیجه امروز تک‌فرزندی پدیده‌ی غالبی است که در خانواده‌هایی که در آن‌ها زن شاغل است بیشتر دیده می‌شود. گاهی هم شاهد فاصله‌ی سنی زیادی بین بچه‌ها هستیم که آسیب‌های خودش را دارد.

تأخیر در فرزندآوری:

در کشور ما و بر اساس ضعف قوانین و اجرای نامناسب آن‌ها، زنان شاغل برای از دست ندادن شغلشان ناگزیرند فرزندآوری را به تأخیر بیندازند.

۳. بیکاری مردان

زنان اغلب نیروی کار ارزان‌تری به شمار می‌روند و به دلیل آنکه مسئولیت مدیریت مالی خانواده با آنان نیست، راحت‌تر زیر بار مشاغل کم‌درآمد می‌روند. همین امر موجب می‌شود شرکت‌ها و مؤسسات به استفاده از نیروی زن تمایل داشته باشند و در این میان، مردان بیکار می‌مانند. این موضوع یکی از نگرانی‌ها و دغدغه‌های جامعه‌ی امروز ما نیز هست.

راهکارها

در برابر آسیب‌هایی که برای اشتغال بانوان برشمردیم، راهکارهایی نیز وجود دارد؛ راهکارهایی که می‌توان علاوه بر در نظر گرفتن مسائل اقتصادی خانواده، آرامش روحی و روانی بانوان، نهاد خانواده و فرزندان را نیز در آن‌ها منظور کرد.

۱. توجه به ارزش و اهمیت خانه و خانه‌داری: شاید در نخستین گام لازم باشد تا با نگاهی دوباره به جایگاه خانه‌داری و ارزش همسری و مادری، بازتعریفی از اشتغال و مفید بودن بانوان جامعه ارائه شود. مطابق تعریفی که ارائه شد، خانه‌داری متقارن با بیکاری نیست، بلکه خانه‌داری و ایفای نقش مادری و همسری، بستر فرهنگ‌سازی و اصلاح اجتماع و رشد انسان‌هاست؛ همچنان که در آیات و روایات ما نیز به ارزش مادری و همسری زنان توجه ویژه‌ای شده است.

۲. احیای ارزش مادری و اهمیت تربیت فرزند

۳. تقسیم کار میان اعضای خانواده

۴. پرهیز از تجمل‌گرایی و رعایت اعتدال و قناعت در هزینه‌ها و مخارج زندگی و به نوعی بازگشت به سبک زندگی ایرانی و اسلامی سبب کاهش چشمگیر نیازهای مادی خانواده می‌شود و دیگر نیازی به اشتغال هم‌زمان زن و شوهر برای تأمین هزینه‌ها نیست.

۵. گسترش کارهای نیمه‌وقت یا پاره‌وقت برای بانوان

۶. جدی‌تر شدن بحث دورکاری و در نظر گرفتن اولویت برای دورکار شدن زنان، به خصوص مادران دارای فرزند کوچک

۷. تفکیک محیط‌های شغلی مردان و زنان برای پیشگیری از بروز برخی آسیب‌های اخلاقی

۸. توسعه‌ی مشاغل خانگی و توسعه‌ی مشاغل محلی

۹. امکان به دست آوردن فرصت شغلی پس از وقفه‌ی چند ساله به دلیل انجام فعالیت‌های مادرانه

۱۰. حذف کشیک‌های غیرضروری در ساعات شب برای زنان

۱۱. ایجاد فرصت‌های شغلی جدید در عرصه‌های متناسب با روحیات بانوان

۱۲. جدی گرفتن بیمه‌ی زنان خانه‌دار برای کاستن از دغدغه‌های معیشتی این قشر مفید و مؤثر

این‌ها از جمله مواردی است که همت و باور مسئولان و سیاست‌گذاران جامعه را می‌طلبد و اگر جدی گرفته شود، می‌تواند تا حدود زیادی از مشکلات بانوان در زمینه‌های اقتصادی بکاهد.

نتیجه گیری

پس از بررسی اجمالی موضوع اشتغال زنان می توان چنین گفت که امروز به دلیل فضای نامطلوب فرهنگی- اجتماعی، تقاضای فراوان از سوی زنان و دختران برای اشتغال وجود دارد. از طرفی زمینه های اشتغال مناسب برای اشتغال سالم و در شان زنان و دختران به اندازه کافی وجود ندارد. لذا بسیاری از متقاضیان در مشاغل پست و نامناسب مشغول به کار می شوند. این فرآیند در حال شتاب، بسیاری از آسیب های فرهنگی- اجتماعی بسیاری را در جامعه بوجود می آورد و تشدید می کند.

در این اوضاع، بررسی کامل و همه جانبه از اوضاع ظرفیت های بسیار بانوان در جامعه از یک طرف و نیز اصلاح فضای ناسالم رسانه ای و بهینه سازی نظام آموزشی - تربیتی و آموزشی عالی جزء اولویت های بسیار مهم و حیاتی فرهنگی- اجتماعی است. از طرف دیگر با تدوین و تصویب قوانین و مقررات لازم و کافی که علاوه بر زمینه استفاده از توانمندی های بانوان، از هرگونه سواستفاده و تخریب شخصیت زنان و آسیب به ساختار ارزشمندترین نهاد اجتماعی یعنی خانواده جلوگیری نماید و نیز ایجاد ساختارهای سالم و متناسب با فعالیت زنان در جامعه، محیط متناسب و مطلوب فعالیت های زنان و بانوان را در جامعه فراهم نمود.

متأسفانه در حال حاضر برای بسیاری از مشاغلی که حضور زنان در آن مشاغل بسیار مهم و حیاتی است، از جمله پزشکی، پرستاری، آموزشی و... نیز شرایط مطلوب و متعالی فراهم نیست؛ لذا بانوان محترمی که ارزش ها، شخصیت و هویت ایرانی - اسلامی آنها بیش از اشتغال آنها به هر قیمتی در بیرون از منزل اهمیت دارد، می بایست نسبت به شرایط اجتماعی و اوضاع فرهنگی جامعه بسیار عالمانه واکنش نشان داده و تسلیم هیاهوی ابلهانه برخی اشخاص و رسانه ها قرار نگیرند.

در فضای کنونی، موضع و تصمیم بانوان بسیار مهم است. زنانی که خود را در هیاهوی دنیای مدرن گم کرده و خود را به دست روند عامیانه جامعه می سپارند، می بایست پاسخگوی سوالات وجدان انسانی خویش باشند که از آنها پرسش منصفانه ای خواهد پرسید و آن اینکه در این معامله چه چیز را با چه بهایی به چه فروختید؟

مادرانی که اشتغال خود را در بیرون منزل انتخاب کرده اند، می بایست به این سوال پاسخ بدهند که اگر روزانه چندین ساعت مادر فرزندان را از او گرفته اید، در برابر آن چه جایگزینی را به او داده اید؟

امیدواریم که همه دست اندرکاران و مسئولین محترم و از همه مهمتر بانوان ارجمند جامعه ایران اسلامی در این برهه تاریخی با افکار عالمانه، رفتاری در شان شخصیت و هویت والای مادران، همسران، بانوان و دختران ایرانی مسلمان را نشان بدهند.

منابع و مراجع

- [۱] ابوت، پاملا؛ والاس، کلا (۱۳۸۰)، جامعه‌شناسی زنان، (ترجمه منیژه نجم‌عراقی)، تهران: نشر نی.
- [۲] باقری، خسرو (۱۳۸۲)، مبانی فلسفی فمینیسم، تهران: وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- [۳] برگ، اتوکلا (۱۳۴۶)، روان‌شناسی اجتماعی، (ترجمه علی محمد کاردان)، تهران: نشر اندیشه.
- [۴] ستان، حسین (۱۳۸۸)، اسلام و تفاوت‌های جنسیتی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و وزارت کشور.
- [۵] بیات، عبدالرسول و دیگران (۱۳۸۱)، فرهنگ‌ها و واژه‌ها، قم: مؤسسه اندیشه و فرهنگ دینی.
- [۶] جلالی، عذرا (۱۳۷۲)، تاریخچه اشتغال زن در ایران، فصلنامه علوم اجتماعی.
- [۷] جوادآملی، عبدالله (۱۳۷۱)، زن در آینه جلال و جمال، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء.
- [۸] حر عاملی، شیخ محمد بن الحسن (بی‌تا)، وسایل الشیعه الی تحصیل مسایل الشریعه، بیروت: احیاء التراث العربی.
- [۹] خدا رحیمی، سیامک و دیگران (۱۳۷۸)، روان‌شناسی زنان، مشهد: خاتم.
- [۱۰] خوبی، سیدابوالقاسم (۱۴۲۰ق)، منهج الصالحین، قم: مدینه العلم.
- [۱۱] دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۳)، لغت‌نامه دهخدا، تهران: دانشگاه تهران.
- [۱۲] دویس، موریس؛ پیرون، هانری (۱۳۶۶)، روان‌شناسی اختلافی، (ترجمه محمدحسین سروری)، تهران: سخن.
- [۱۳] رشیدرضا، محمد (۱۳۰۳)، المنار فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالفکر.
- [۱۴] روزن باوم، هایدی (۱۳۶۷)، خانواده به منزله ساختاری در مقابل جامعه، (ترجمه محمدصادق مهدوی)، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- [۱۵] ریتز، جورج (۱۳۷۷)، نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، (ترجمه محسن ثلاثی) تهران: انتشارات علمی.
- [۱۶] زمخشری، محمودبن عمر (۱۴۰۷ق)، الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل، بیروت: دارالکتب القری.
- [۱۷] ساروخانی، باقر (۱۳۷۰)، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، تهران: سروش.
- [۱۸] سفیری، خدیجه (۱۳۸۰)، نگاه جنسیتی به کار و تأثیر آن بر توسعه انسانی، مجله تخصصی زبان ادبیات، دانشگاه مشهد دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- [۱۹] سیستانی، سیدعلی (۱۴۱۶ق)، منهج الصالحین، قم: مکتب آیت‌الله السیستانی.
- [۲۰] طباطبایی، علامه محمدحسین (بی‌تا)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: جماعه المدرسین حوزه العلمیه.
- [۲۱] طبرسی، ابوالفضل بن الحسن (۱۳۶۵)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو.
- [۲۲] فرهنگ، منوچهر (۱۳۶۶)، فرهنگ علوم اقتصادی، تهران: آزاده.
- [۲۳] قیطانچی، الهام (۱۳۸۱)، فصل زنان، (گردآورنده نوشین احمدی خراسانی)، موج‌های فمینیسم، تهران: توسعه.
- [۲۴] گاتیون، آرتور (۱۳۷۲)، فیزیولوژی پزشکی (ترجمه محمدحسن عامری و فرشید علی‌یاری و آرزو خسروی)، تهران: اشارت.
- [۲۵] گنجی، حمزه (۱۳۶۹)، روان‌شناسی تفاوت‌های فردی، تهران: بعثت.
- [۲۶] گیدنز، آنتونی (۱۳۸۷)، جامعه‌شناسی، (ترجمه منوچهر صبوری)، تهران: نشر نی.
- [۲۷] مجلسی، علامه محمدباقر (۱۴۰۴ق)، بحارالانوار، بیروت: مؤسسه الوفاء.
- [۲۸] محمدی‌شهری، محمد (۱۳۶۳)، میزان الحکمه، قم: مکتبه الاعلام الاسلامی.
- [۲۹] مریدی، سیاوش؛ نوروزی، علیرضا (۱۳۷۳)، فرهنگ اقتصادی، تهران: نگاه.
- [۳۰] مصباح، علی و همکاران (۱۳۷۴)، روان‌شناسی رشد با نگرش به منابع اسلامی، تهران: سمت.
- [۳۱] معین، محمد (۱۳۷۱)، فرهنگ فارسی، تهران: امیرکبیر.
- [۳۲] نیایی، جعفر (۱۳۶۱)، حقوق کار ایران، تهران: فرحی.
- [۳۳] هانت، ژانت (۱۳۷۷)، روان‌شناسی زنان، (ترجمه بهزاد رحمتی)، تهران: لادن.
- [۳۴] کاپلان، هارولد؛ سادوک، بنامین (۱۳۶۸)، خلاصه روان‌پزشکی (ترجمه نصرت‌الله پورافکاری)، تبریز: ذوقی.
- [۳۵] کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۶۵)، کافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.